

خلاصه ای در مورد جمله واره ها (clauses): به طور خلاصه جمله واره ها مجموعه کلماتی هستند که یکی از آنها فعل است ولی معنی کاملی را نمی رسانند و در ابتدای آنها حروف ربط قرار می گیرند. در دستور زبان انگلیسی سه نوع جمله واره وجود دارد که عبارتند از: جمله واره های قیدی (adverbial clause)، جمله واره های اسمی (noun clause) و جمله واره های صفتی یا وصفی (adjective clause) و همانطور که از اسم آنها پیداست هر کدام به ترتیب جانشین قیده‌ها، اسم ها و صفت ها در جمله ها می شوند. در این درس تنها به جمله واره های صفتی یا وصفی می پردازیم.

جمله واره های صفتی یا وصفی Adjective clauses

به مثال زیر توجه نمایید:

The boy **who is playing the piano** has played football since 2 o'clock.

پسری که دارد پیانو می نوازد از ساعت ۲ فوتبال بازی کرده است.

نقش جمله واره صفتی که بعد از اسم the boy آمده است و با who به آن متصل شده فقط توصیف کردن اسم است؛ این جمله در حقیقت اطلاعات بیشتری را درباره آن پسر به شنونده می دهد و آن پسر را از بین تمام پسر ها متمایز می کند.

به این نوع از جمله واره ها که یک اسم را تعریف می کنند یعنی آن را از بین بقیه متمایز می کنند جمله واره صفتی یا وصفی می گویند؛ و در ادامه بعد از این جمله واره وصفی هم، فعل اصلی جمله بکار می رود. در واقع جمله واره های وصفی نقش صفاتی را دارند که با استفاده از یک ضمیر موصولی پس از اسم می آیند.

به طور خلاصه:

جمله واره صفتی به جمله واره ای گفته می شود که بعد از یک اسم بکار می رود و با یک ضمیر موصولی (who, which, where, when, ... به اسم متصل می شود و آن اسم را توصیف می کند.

در مثال بالا جمله ادامه جمله که با who به اسم the boy وصل شده جمله واره وصفی است، و اسم the boy را به شنونده بهتر معرفی می کند. و جمله بعد از این جمله واره وصفی یعنی (has played football since 2 o'clock) ادامه جمله اصلی است.

مثال دوم:

The boy **whom Sara is talking with now** was punished by his teacher yesterday.

پسری که سارا الان با او در حال صحبت کردن است دیروز توسط معلمش تنبیه شد.

در این مثال هم نقش جمله Sara is talking with now توصیف و تعریف کردن اسم است و فعل اصلی جمله یعنی was punished بعد از این جمله واره وصفی بکار رفته است.

اما نکته مهم این است که اسم توسط یک کلمه که به آن ضمیر موصولی (relative pronoun) می گویند به جمله واره وصفی می چسبند؛ که این ضمیر موصولی بر اساس نوع اسم (انسان یا غیر انسان بودن) و نقش اسم برای فعل وصفی در جمله متفاوت است.

حالت اول: اگر اسمی که توسط جمله واره وصفی توصیف می شود انسان باشد و نقش فاعلی داشته باشد، به شکل زیر بکار می رود.

ادامه جمله + who + اسم انسان

مانند مثال های زیر:

The driver **who was driving carelessly was stopped and fined** by the police.

راننده ای که با بی دقتی رانندگی می کرد توسط پلیس متوقف و جریمه شد.

در این حالت who به عنوان ضمیر موصولی کار ارتباط و برقراری بین اسم و جمله واره وصفی را بر عهده دارد و معنی آن " که " می شود.

نکته: در محاوره بجای who هم می توان از that استفاده کرد.

The driver **that** was driving carelessly was stopped and fined by the police.

نکته مهم: جمله واره وصفی می تواند برای توصیف فاعل یا مفعول جمله به کار برود.

I thanked **the man who played** piano well in the party last night.

در مثال بالا اسم **the man** توسط جمله وارہ وصفی توصیف شده است و خود اسم **the man** برای فعل اصلی جمله یعنی **thank** نقش مفعولی دارد.

حالت دوم: اگر اسمی که توصیف می شود، اسم انسان باشد و نقش مفعولی داشته باشد، کل عبارت وصفی به شکل زیر بیان می شود. در دستور رسمی برای اسم هایی که نقش مفعولی دارند فقط از **whom** استفاده می شود.

ادامه جمله + فاعل + **whom** + اسم انسان

مانند مثال زیر:

The boy whom **you saw** in the park yesterday **plays** piano well.

پسری که تو دیروز تو پارک دیدی پیانو را بخوبی می نوازد.

در مثال بالا اسم **the boy** یا پسری توصیف شده که برای فعل **saw** جمله وارہ وصفی نقش مفعولی دارد.

نکته مهم دیگر این است که چون اسم **the boy** در حقیقت مفعول فعل **saw** است، و در ابتدای جمله بکار رفته است پس دیگر نیازی نیست دوبارہ آن را چه به شکل اسم چه به شکل ضمیر بعد از فعل **saw** ذکر کرد. در واقع ضمیرهای فاعلی، مفعولی، صفات ملکی و ... بعد از ضمائر موصولی حذف می شوند.

نکته اول: در این جمله به جای **whom** می توان از **who** و **that** هم استفاده کرد. (**whom** رسمی تر است)

The boy that **I saw** in the park yesterday **was** Susan`s brother.

پسری که من دیروز تو پارک دیدم برادر سوزان است.

نکته دوم: در جملات می توان از هیچکدام از ضمائر موصولی مفعولی **who, whom, that** استفاده نکود و جمله را بدون ضمیر موصولی مفعولی بیان کرد.

The boy **I saw** in the park yesterday **was** Susan`s brother.

The boy **our teacher encouraged** yesterday was the first winner.

حالت سوم: اگر اسمی که توصیف می شود، اسم غیر انسان باشد و در جمله وارہ وصفی هم فاعل جمله وارہ وصفی باشد؛ در زبان انگلیسی به شکل زیر بکار می رود.

ادامه جمله + **which** + اسم غیر انسان

مانند مثال زیر:

The book which **is in Susan`s hand** is history.

کتابی که در دست سوزان است کتاب تاریخ است.

جمله **is in Susan`s hand** بیان کننده کتابی است که در دست سوزان است و آن کتاب را از بین بقیه کتاب ها جدا می کند. و فعل اصلی جمله بعد از جمله وارہ وصفی بکار رفته است.

نکته دوم: توجه داشته باشید که قانون حذف ضمیر موصولی فاعلی و فعل **to be** بعد از آن، در صورتی که فعل **to be** نقش فعل کمکی داشته باشد، هم در اینجا کاملاً صادق است.

پس اگر بعد از **which** فاعلی، زمان جمله وارہ وصفی جزء زمان هایی باشد که فعل **to be** در آنها نقش فعل کمکی داشته باشد یا زمان جمله وارہ وصفی زمان حال ساده باشد، گوینده می تواند **which** ضمیر موصولی مفعولی غیر انسان و فعل **to be** را از جمله حذف بکند. (منظور از فعل **to be** مشتقات آن یعنی **am, is, are, was, were** می باشد).

حالت چهارم: اگر اسمی که توسط جمله وصفی توصیف می شود، اسم غیر انسان و برای فعل وصفی نقش مفعولی داشته باشد؛ در زبان انگلیسی به شکل زیر بکار می رود.

ادامه جمله + فاعل + **which** + اسم غیر انسان

توجه داشته باشید که **which** در این نوع از جملات به معنی "که" می باشد.

نکته: بجای **which** هم می توان از **that** استفاده کرد.

مانند مثال های زیر:

The book **which you studied** yesterday **was** very interesting.

The book **that you studied** yesterday **was** very interesting.

نکته مهم: گوینده می تواند هیچکدام از ضمائر موصولی مفعولی غیر انسان **which** یا **that** را بکار نبرد.

The watch **I fixed** last week was very beautiful and **had** a lot of pieces of gold.

The cherries **I picked up** yesterday **were** completely ripe.

حالت پنجم: اگر اسمی که توسط یک جمله توصیف می شود، اسم مکان باشد و در برای فعل وصفی هم نقش قید مکان داشته باشد؛ در جملات به شکل زیر بکار می رود.

ادامه جمله + فاعل + **in which/ where** + اسم مکان

مانند مثال زیر:

The institute **where** I learn English every day is in Hafez Street.

موسسه ای که من در آنجا انگلیسی یاد می گیرم در خیابان حافظ است.

بجای **where** هم می توان از **in which** هم استفاده کرد، در این حالت معنی آنها با هم یکی است.

The institute **in which** I learn English every day is in Hafez Street.

حالت ششم: اگر اسمی که توسط یک جمله وصفی توصیف می شود در جمله وصفی معنی زمان داشته باشد، به شکل زیر بکار می رود.

ادامه جمله + **when** + اسم (زمان)

مانند جملات زیر:

The day **when** I was born was rainy.

The year **when** my brother left Iran was a very bad year for me.

I never forget the day **when** I met you.

نکته مهم: گوینده می تواند بجای **when** در جملات بالا از **that** هم استفاده بکند.

The day **that** I was born was rainy.

The year **that** my brother left Iran was a very bad year for me.

I never forget the day **that** I met you.

The time **that** the plane arrives is 7:05

The year **that** the revolution took place was 1960.

نکته مهم: گوینده می تواند هیچکدام از آنها را بکار نبرد.

The month the weather is the hottest in Iran is Mordad.

The day they will come back Iran is Monday.

I clearly remember the day I rode the bicycle for the first time.

There was the time dinosaurs dominated the earth.

You will see the day you are very successful.

حالت هفتم: اگر اسمی که توسط یک جمله توصیف می شود، مالکیت اسم دیگری را در جمله ی وصفی داشته باشد در این حالت از **whose** به عنوان ضمیر موصولی مالکیت استفاده می شود و معنی آن در این حالت که ... او می باشد.

The man **whose son** plays piano well bought that expensive piano.

مردی که پسر او پیانو را بخوبی می نوازد عموی من است.

در مثال بالا **the man** مالکیت پسر را دارد و با **whose** ضمیر موصولی مالکیت بهم متصل شده اند.

مانند مثال های زیر:

The woman **whose wallet** was stolen called the police.

The professor **whose course** I am taking is excellent.

I apologized to the man **whose coffee** I spilled.

I met **the man whose wife** is the president of the corporation.
I live in **the dormitory whose residents** come from different countries.

تمرینات

-در جاهای خالی who, which, whom به کار ببرید.

1. The maninvited us to the party lives in that house.
2. The ladywe talked to is not a nurse in this hospital.
3. This is the doctorworks in this hospital.
4. The boy's legwas broken last month is better by now.
5. The birdhad made a nest in the tree near our house has left it.

حذف ضمایر موصولی فاعلی

در دو حالت زیر ضمیر موصولی فاعلی حذف می شود:

الف) هرگاه ضمایر موصولی فاعلی به همراه to be بیاید، می توان آن ضمیر را با مشتقات to be حذف کرد.
در مثال های بالا پس از حذف ضمایر موصولی جمله ها چنین می شوند:

1. I saw a man climbing a tall tree.
2. The new building built by our neighbor is not sold yet.

ب) هرگاه ضمیر موصولی به همراه مشتقات to be نیامده باشد اما جمله وارهِ وصفی بیانگر **عادت** و یا **حقیقتی** باشد (که معمولاً با فعل زمان حال ساده به کار می رود) می توان ضمیر موصولی را حذف کرد و فعل را به صورت **ing**- دار نوشت.

3. The students who study mathematics here are all clever.

دانش آموزانی که اینجا ریاضی می خوانند همه باهوش هستند.

- 3.* The students studying mathematics here are all clever.

نکته ۱) جمله وارهِ های وصفی (adjective clause) بعد از حذف ضمیر موصولی و to be به عبارات وصفی (adjective phrase) تبدیل می شوند.
مثلاً در جمله (3.*): عبارتی که زیر آن خط کشیده است یک عبارت وصفی است.

نکته ۲) در عبارت وصفی فعل به دو صورت به کار می رود:

۱. همراه با **ing**- که نشان دهنده معلوم بودن عبارت است.

۲. به صورت قسمت سوم فعل (past participle) که نشان دهنده مجهول بودن عبارت است.

جمله شرطی نوع دوم (if clause) / (second type conditional)

این جملات نیز مانند جملات نوع اول هستند اما دارای تفاوت هایی در مفهوم می باشند.

ساختار شرطی نوع دوم: جمله گذشته ساده + **if** + جمله آینده در گذشته ساده (would, could, might)

مفهوم شرطی نوع دوم: این نوع شرطی ها برای بیان کارهایی هستند که غیر واقعی بوده و احتمال انجام کار در حد صفر است. یعنی عملاً کاری واقع نخواهند شد. به عبارت دیگر جمله شرطی نوع دوم یک جمله آینده در گذشته ساده است که قید آن جمله وارهِ ایست با زمان گذشته ساده که حرف ربط آن کلمه **if** است. مثال:

If I went there I would tell them. اگر رفته بودم به آنها می گفتم.

نکته اول: در شرطی نوع دوم به جای فعل کمکی **was** از **were** استفاده می شود چون **were** از **was** رسمی تر است و این کار نیز غیر واقعی است.
نکته دوم: به جای **would** می توان از **could** و **might** هم استفاده کرد.

نکته سوم: می توان با حذف **if** از ابتدای جمله شرطی همان جمله را به شکل دیگری نیز نوشت. یعنی می توان جای فعل کمکی و فاعل را در ابتدای جمله عوض کرد. مثال:

{ If I were a rich man, I would buy a big house.
Were I a rich man, I would buy a big house.

نکته چهارم: در همه جمله های شرطی منفی به جای **if not** می توان از **unless** (مگر اینکه) نیز استفاده کرد.

You would fail the final exam if you didn't study hard.
You would fail the final exam unless you studied hard.

تمرینات

-شکل درست فعل‌های داخل پرانتز را بنویسید.

1. If Ia garden, I will grow flowers in it. (to have)
2. If youme, get in touch with me. (to need)
3. If Ia pilot, I would fly in the sky. (to be)
4. Could you tell me his number if Iyou? (to ask)
5. If Peter didn't live in a flat hea dog. (have)

ویژگی های یک پاراگراف خوب

۱. وحدت یا Unity

وحدت در پاراگراف به این معناست که تمام جملات هر پاراگراف، مربوط به موضوع اصلی همان پاراگراف باشد. پس پاراگرافی که جمله ی غیر مرتبط به موضوع اصلی نداشته باشد، یک پاراگراف خوب به شمار می رود. برای این که یک متن خوب با این ویژگی بنویسید، بهتر است از ابتدا و در topic sentence هر پاراگراف موضوع اصلی را برای خود مشخص کنید. سپس به هنگام نوشتن جمله های بعدی دقت کنید که هیچ چیزی را که به موضوع اصلی ربط ندارد وارد متن نکنید. روش دیگر این است که قبل از نوشتن پاراگراف، یک طرح کلی از مطالبی که میخواهید در آن پاراگراف بنویسید تهیه کنید و فقط بر اساس همان پیش روید. در پاراگراف زیر تنها یک جمله ی غیر مرتبط وحدت پاراگراف را از بین برده است:

I live in a house in Izmir. It isn't old or modern. It's a normal Turkish house. We can say it is near the sea. It takes about 10 minutes to go to the sea side on foot. We have one bedroom and one living room. We also have two other rooms. We use them as a dining room. Naturally, we have a kitchen, a bathroom, and a toilet. **I live with my parents.** And our house has a little garden; my parents spend their time there to grow vegetables and fruit.

همانطور که می بینید کل این پاراگراف راجع به توصیف یک خانه است. نویسنده قصد داشته که خانه ی خود را توصیف کند. تمام جمله ها به همین موضوع اصلی پاراگراف اشاره دارند اما جمله ی مشخص شده هیچ ربطی به موضوع اصلی ندارد، وحدت پاراگراف را از بین برده و باید حذف شود.

۲. پیوستگی یا Cohesion

پیوستگی یا Cohesion به معنای اتصال و پیوند ایده ها در یک پاراگراف به روش های مختلف است به گونه ای که این ایده ها و مطالب به روانی و به شکل منطقی به هم متصل شوند. در واقع خواننده باید به راحتی و روان متن را بخواند و ربط جمله ها به یکدیگر را متوجه شود. برای ایجاد پیوستگی در متن از روش های زیر استفاده می شود:

استفاده از کلمات ربط و متصل کننده:

کلمات ربط یا transition word ها برای ربط دادن و متصل کردن جملات و ایده های مختلف یک پاراگراف یا متن استفاده می شوند. این کلمات ممکن است مربوط به زمان (simultaneously, while, at the moment)، مکان (beside, at the back, beneath,) یا روابط منطقی (thus, consequently, therefore) باشند.

در مثالهای زیر ایده ها توسط این کلمات ربط به هم متصل شده اند:

The problem of hunger in Africa is talked about almost every day. Many government authorities blame natural calamity, such as drought, and also overpopulation. **Thus**, they suggest food aid and population control as the logical solutions. **Although** drought and overpopulation are realities that worsen the problems of hunger in Africa, these are not the only factors that should be seen as the cause. The real cause of Africa's famine, **however**, is poverty, and only by doing something about poverty itself, we can solve the hunger problem in Africa.

One of my favorite hobbies is traveling. **Therefore**, I decided to get a job that paid me to travel because I just couldn't afford my habit. I worked for a company called Off-road where I led bicycle trips. It was a really hard job. I got to spend two months living and working in France. **In addition**, I went to the south and stood on the red carpet where they hold the Cannes Film Festival. Riding bikes all summer was great, and traveling around France was incredible; **however**, the job was too much work and not enough play. **Thus**, while it fed my traveling addiction, I knew that job wasn't for me.

* یکی دیگر از روش های متصل کردن جملات و ایده ها به یکدیگر استفاده از کلماتی است که ترتیب زمانی یا ترتیب مراحل مختلف را نشان می دهند. مانند کلمات زیر:

First, second, third, finally

Next.....the last step

Then..... before

After, after that.....while

در جدول زیر تقریباً تمام کلمات ربط به همراه کاربردشان آورده شده است: (تنها تعداد اندکی در کتاب درسی مورد نیاز است)

کاربرد	کلمات ربط
اضافه کردن	again, also, and, and then, besides, equally important, finally, first, further, furthermore, in addition, in the first place, last, moreover, next, second, still, too
مقایسه کردن	also, in the same way, likewise, similarly
نشان دادن تضاد	although, and yet, at the same time, but at the same time, despite that, even so, even though, for all that, however, in contrast, in spite of, instead, nevertheless, notwithstanding, on the contrary, on the other hand, otherwise, regardless, still, though, yet
نشان دادن موافقت	granted, naturally, of course
تاکید کردن	certainly, indeed, in fact, of course
مثال زدن	after all, as an illustration, even, for example, for instance, in conclusion, indeed, in fact, in other words, in short, it is true, of course, namely, specifically, that is, to illustrate, thus, truly
خلاصه کردن	all in all, altogether, as has been said, finally, in brief, in conclusion, in other words, in particular, in short, in simpler terms, in summary, on the whole, that is, therefore, to put it differently, to summarize
نشان دادن ترتیب زمانی	after a while, afterward, again, also, and then, as long as, at last, at length, at that time, before, besides, earlier, eventually, finally, formerly, further, furthermore, in addition, in the first place, in the past, last, lately, meanwhile, moreover, next, now, presently, second, shortly, simultaneously, since, so far, soon, still, subsequently, then, thereafter, too, until, until now, when
نشان دادن جهت	above, below, farther on, nearby, to the right
نشان دادن نتیجه گیری و علت	therefore, so, consequently, for this reason, since, because

تکرار یک کلمه یا عبارت کلیدی

این مساله به خواننده کمک می کند که در حین خواندن متن تمرکز خود را بر موضوع اصلی از دست ندهد. با این روش متن پیوستگی خود را حفظ میکند. مثال:

The problem with **contemporary art** is that it is not easily understood by most people. **Contemporary art** is deliberately abstract, and that means it leaves the viewer wondering what she/he is looking at.

استفاده از کلمات مترادف و هم معنی

استفاده از کلمات هم معنی به جای تکرار زیاد یک کلمه، کمک میکند که در عین حفظ پیوستگی متن برای خواننده خسته کننده نشود. مثال:

Myths narrate sacred histories and explain sacred origins. These **traditional narratives** are, in short, a set of beliefs that are a very real force in the lives of the people who tell them.

استفاده از ضمائر

استفاده از ضمایری مثل **this, that, these, those, he, she, it, they, we** باعث می شود تا بتوانید به مطالبی که قبلا در متن گفته اید اشاره کنید و به این ترتیب جمله ها را به هم مرتبط کنید. مثال:

When **scientific experiments** do not work out as expected, **they** are often considered failures until some other scientist tries **them** again. Those that work out better the second time around are the ones that promise the most rewards.

۳. وابستگی یا coherence

وابستگی معنایی یا Coherence در یک پاراگراف به این معناست که جمله های متن به یکدیگر مرتبط بوده و از نظر معنایی به هم وابسته هستند به گونه ای که با حذف یکی از جمله ها معنای پاراگراف ناقص شود. یکی دیگر از ویژگی های متن coherent این است که جملات با یک ترتیب منطقی کنار هم قرار گرفته اند و خواننده در حین خواندن متن گیج نمی شود. بر خلاف پیوستگی، این ویژگی با استفاده از کلمات خاص به دست نمی آید و قابل تشخیص نیست بلکه این وابستگی باید از لحاظ معنایی در متن ایجاد شود.

مثال:

The human body is a wonderful piece of work that nature has created. It is not beautiful like the body of a butterfly or peacock but it is shaped practically. It can do many types of work which other animals cannot. It is not strong like the body of a tiger. However, in place of physical strength it has a big and sharp brain. By using this brain the human physique has been able to overcome many of its limitations. By sitting in an airplane it flies faster than a kite, by riding a motorcycle it travels faster than a leopard, and by firing a machine gun it fights much better than a tiger.

استراتژی های حمله به کلمه نا آشنا در متن (WORD-ATTACK STRATEGIES)

استراتژی های حمله به کلمه کمک می کنند تا خواننده رمزگشایی، تلفظ، و درک معنی کلمات نا آشنا را به درستی انجام دهد. این استراتژی ها به خوانندگان کمک می کنند تا با قطعه قطعه کردن کلمات نا آشنا به هر کدام از آنها از زاویه ای متفاوت حمله کنند. رعایت اصول زیر در به کارگیری این استراتژی ها مفید است.

استفاده از تصاویر

به تصویر نگاه کنید. (اگر وجود دارد)

آیا در تصویر افراد، اشیاء، یا اقداماتی که ممکن است در جمله بیان شود، وجود دارد؟

تکرار بلند صدای حروف خارج از کلمه

حروف کلمه نا آشنا را با صدای بلند و یکی یکی بگویید.

با ترکیب کردن صداها سعی کنید کلمه را بگویید. ببینید آیا کلمه در بافت جمله معنی دارد؟

شکستن کلمه به اجزای تشکیل دهنده

این استراتژی یکی از مهمترین استراتژی های درک لغات است. سعی کنید چند حرف را در کنار هم را بخوانید. این مجموعه حروف ممکن است صدا / نمادها، پیشوند ها، پسوندها، پایانه های واژه ها، کل کلمات، یا کلمات پایه باشند. دانستن معانی پسوندها و پیشوندها و ریشه های لغات خیلی مفید و اساسی است اما یادگیری تمام آنها کار آسانی نیست. به ویژه که بیشتر آنها ریشه در زبان لاتین دارند. هر بخش از یک کلمه را بخوانید و سعی کنید معانی یا کاربرد آن را درک کنید. سپس بخش های مختلف را با هم ترکیب کنید و کلمه را با صدای بلند بخوانید. به دنبال انواع مختلف یک کلمه در جمله باشید. مثلا ممکن است شما فعل یک کلمه را بدانید اما از همان فعل با استفاده از پسوند یا پیشوند، اسم صفت یا قیدی ساخته شده باشد که تا بحال با آن برخورد نکرده باشید. بنابراین شما معانی تمام انواع همان کلمه را می دانید.

اتصال کلمه جدید با دانش لغوی گذشته

سعی کنید کلمه جدید را با یک کلمه که می دانید، متصل کنید.

در مورد کلمه ای مشابه که می دانید فکر کنید.

کلمه آشنا را با کلمه نا آشنا مقایسه کنید. ببینید آیا کلمه آشنا مشابه یا شکلی از کلمه نا آشنا نیست؟

برای امتحان این نکته از کلمه شناخته شده در جمله استفاده کنید. اگر شباهتی وجود دارد، پس معنای کلمه نا آشنا را فهمیده اید.

خواندن بیش از یک بار جمله

فکر کنید که چه کلمه ای ممکن است در جمله معنا دار باشد. همان کلمه را به کار ببرید و ببینید جمله معنی دارد؟

گذر از کلمه ناآشنا

از کلمه ناآشنا بگذرید و به دنبال سرخ ها بروید.

اگر همان کلمه در جمله بعدی تکرار شود، جمله دوم را با جمله اول مقایسه کنید. چه کلمه ای ممکن است در هر دو جمله معنی داشته باشد؟

استفاده از دانش پیشین

در مورد آنچه که در مورد موضوع کتاب، پاراگراف یا جمله می دانید فکر کنید.

و به دانش قبلی خود در مورد همان موضوع رجوع کنید. این تکنیک به ویژه در مورد متن هایی که اطلاعات علمی و ... را از مجلات و کتاب ها و ... ازایه می کنند می تواند مفید واقع شود.

Sample Tests on Relative Pronouns / Interrogative Words

1. **This is the teacher told me my son had been misbehaving in class.**
1) which 2) whose 3) whom 4) who
2. **My husband, I love wholeheartedly, sent me flowers at work yesterday.**
1) who 2) whom 3) which 4) whose
3. **This is the girl car hit that tree down last week.**
1) who 2) which 3) whose 4) whom
4. **Those are the boxes were sent to us last month.**
1) which 2) who 3) whose 4) whom
5. **..... is going to take the dog for a walk?**
1) Which 2) Whose 3) Who 4) Whom
6. **..... shall I fear, but the ones who hurt me?**
1) Whose 2) Whom 3) What 4) Which
7. **I asked you one of these shoes, you think, would go with my outfit.**
1) whose 2) who 3) whom 4) which
8. **..... house is it, anyway? Are we allowed to stay in here?**
1) Who's 2) Whom 3) Whose 4) Which
9. **I have friends love me so much, they made a surprise birthday party for me last night.**
1) who 2) whom 3) which 4) whose
10. **That young man to we owe some thanks, saved our mom's life on that car accident.**
1) which 2) whom 3) who 4) whose
11. **..... does that car belong to?**
1) Who 2) Which 3) Whose 4) When
12. **Excuse me but shouldn't you say to does that car belong?**
1) which 2) that 3) whom 4) what
13. **That's another way of saying it. I'm talking about the car parked over there.**
1) who's 2) that's 3) who 4) how
14. **..... do you think would have a car like that?**
1) Whom 2) That 3) Who 4) How
15. **Well, I should say someone for money is no object.**
1) whom 2) who 3) that 4) what
16. **The car to you are referring happens to be mine!**
1) that 2) whom 3) which 4) where
17. **That's interesting. We are talking about the car has a red roof.**
1) that 2) who 3) that's 4) whose
18. **Yes, it's the best car I've ever had. Why do you ask?**
1) which 2) that 3) who 4) when
19. **Well, I think you ought to speak to that man standing with a notebook in front of the car.**

- 1) which 2) whom 3) who's 4) how

20. Oh no! It's a traffic warden putting a parking ticket on my car and I haven't any money to pay the fine I'll have to pay.

- 1) whose 2) which 3) who 4) where

21. one of you is coming to my house later?

- 1) Who 2) Which 3) Why 4) How

22. are you going to get home from work?

- 1) Which 2) Who 3) How 4) What

23. is that woman talking to your sister?

- 1) Which 2) Whose 3) Who 4) Whom

24. She wants to know you like your coffee.

- 1) how 2) what 3) which 4) who

25. Let me know you hear from your mother.

- 1) who 2) what 3) whose 4) when

26. would you like on your hamburger?

- 1) How 2) Which 3) When 4) What

27. dog is that?

- 1) Who 2) When 3) Whose 4) Where

28. This is I want to be when I grow up.

- 1) why 2) when 3) which 4) what

29. My mother is the one talks on TV every morning.

- 1) whom 2) which 3) who 4) whose

Sample tests on Second Type Conditional / Mixed Conditionals

1. I tell you to tell him anything if you were not his close friend.

- 1) don't 2) won't 3) wouldn't 4) hadn't

2. If I were you, Ithat coat. It's too expensive.

- 1) wouldn't buy 2) won't buy 3) don't buy 4) didn't buy

3. Whatyouif you have a big garden?

- 1) would/do 2) are / doing 3) Were / done 4) Will / do

4. What could we do if wea key?

- 1) don't have 2) hadn't had 3) didn't have 4) haven't had

5. If they were here , I their car .

- 1) will borrow 2) borrowed 3) would borrow 4) borrow

6. You wouldn't be so fat if you too much .

- 1) don't eat 2) hadn't eaten 3) didn't eat 4) can't eat

7. How you write if you didn't have fingers ?

- 1) can 2) will 3) could 4) should

8. If I you, I wouldn't risk it.

- 1) had been 2) am 3) would be 4) were

9. If they had waited another month, they could probably a better price for their house

- 1) got 2) had got 3) have got 4) get

10. It's quite simple really. When it's cold, water

- 1) froze 2) has frozen 3) freezes 4) had frozen

11. If he decides to accept that job, he it for the rest of his life.

- 1) has regretted 2) had regretted 3) is regretting 4) will regret

12. If you of applying for that job, my advice is: forget it.

- 1) are thinking 2) will think 3) will be thinking 4) would think

13. If he hadn't been driving so fast, he have hit the motorcyclist.

- 1) didn't 2) hadn't 3) wouldn't 4) hasn't

14. he been more careful, he would have found the mistake.

- 1) Were 2) Had 3) Has 4) Is

